

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شاعر: گرامی یاد محمد امان فارغی
انتخاب از: داکتر محمد کریم فارغی-استرالیا
۰۷ اپریل ۲۰۲۱



داکتر محمد کریم فارغی

دل بیتاب



شب که دل ز اندیشه کار وطن بیتاب بود
از هجوم سیل سودای فراق دوستان
اشک گلگونم نگرور بی قرارها مپرس
که ز سوز ناله مظلوم در آتش کباب
حیله دشمن که شد انگیزه کین و نفاق
شرق و غرب این جهان گشتم ندیدم مردمی
تا سحرچون موی در آتش به پیچ و تاب بود
زورق افکار من در بجه گرداب بود
دل درون سینه من لخته سیماب بود
که ز اشک طفل مادر مرده یکسر آب بود
دوستان را دشمنی مولود این اسباب بود
مرد راه حق دریغا در جهان کمیاب بود

نالۀ زارم به دل ها هيچ تأثیری نکرد داغ دل گوئی چراغی در شب مهتاب بود
بسکه این ساز شکسته پرزدد و محنت است هر خس و خاری به تار ساز دل مضراب بود
زاهد بی پیر، عشق پیری اش گل کرده رشته طول امل در پای شیخ و شاد بود
حب دنیا جای در محراق آمالش گزید زاهد ما گر به ظاهر روی در محراب بود
جز به زور برچه هرگز کس پذیرایش نشد این حکومت را که صادر کرده پنجاب بود
خون اولادت چرا پامال می شد ای وطن رشته کارت اگر دست اولوالباب بود
هر که را بینی ز بوی خون تلذذ می کند قتل هموعان درین فصل زمان یک باب بود

آب حاصل پروری را فارغی زین جو مجو

کشت این شطرنج بازان کی گهی سیراب بود